

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ می ۲۰۱۹

زندانیان قربانیان نظام های حاکم اند، نه دشمن بالفطره مردم!

۳

شنبه- ۲۸ ثور ۱۳۹۸ - کابل:

۳- سومین نکته ای که در این مبحث قابل دقت و توجه مزید است، نگرش و طرز دید مردم بیرون از زندان یعنی افراد جامعه است نسبت به زندان و زندانی.

در حالی که حاکمیتها همیشه کوشیده اند و باز هم خواهند کوشید تا بین افراد زندانی و افراد جامعه به ایجاد یک دیوار قناعت ننموده، بلکه نفرت عمیقی را بین آنها به وجود بیاورند. نفرتی که به افراد جامعه تلقین می نماید که افراد دربند مستحق تمام مظالم و اجحافات اند که زندانبان به نمایندگی از حاکمیت بر آنها وارد می سازد، عکس آن به زندانی چنان تلقین می نمایند که گویا این افراد جامعه اند که خواستار تشدید مجازات بر آنها می باشند و حاکمیت فقط آنها را از برخورد انتقام جویانه افراد جامعه در پناه دیوار ها محفوظ داشته است. مسلم است که تسلط چنین طرز دیدی به تجرید هرچه بیشتر زندانی تمام شده، دست زندانبان را به نمایندگی از حاکمیت باز می گذارد تا هر آنچه خود می خواهد بر یک مشت انسان دربند و بی دفاع بیاورد.

عکس چنین طرز دیدی هرگاه جامعه در کل، بپذیرد که افراد زندانی بخشی از افراد خودش است که یا حق و یا نا حق در بند و زنجیر اسیر است و اسارت آنها به هیچ وجه حقوق انسانی و شهروندی آنها را از بین نمی برد و می باید به همان سان که یک انسان سالم از عضو بیمار بدنش مراقبت می نماید جامعه نیز از چنین اعضای مراقبت نماید و بکوشد تا زمینه برگشت سالم آنها را به جامعه فراهم سازد، در این صورت گذشته از تمام برنامه های اصلاحی در جامعه، دیده شده است که نفس برخورد سالم و محترمانه افراد بیرون از زندان حین پایبندی با یک زندانی، چنان بروی اثر گذاشته که بعد از رهائی از زندان ۱۸۰ درجه با انسان قبل از زندان تفاوت نموده است. هموطنان گرامی!

مسئله به دید ترحم آمیز و یا هم فراهم نمودن بستر اصلاحی برای زندانی ختم نمی شود. چه وقتی می پذیریم که زندانی بخشی از ما و توتۀ تن ماست که یا حق و یا ناحق در غل و زنجیر افتاده است و چه بسا همین امروز و یا فردا ما خود به چنین حالتی مواجه گردیم، وجدان انسانی ما بر ما حکم می نماید تا به کمک زندانی شتافته و به دولت های جبار و خونریز اجازه ندهیم تا بر فرزندان دربند و بی دفاع ما ظلم و ستم روا دارند.

هموطنان گرامی!

با در نظر داشت این که مناسبات زندانبان و زندانی در داخل زندان امتداد مناسبات حاکمیت با مردم در خارج از زندان است، باید متوجه باشیم که حاکمیت ها در کل می کوشند با ایجاد دلهره و ترس در زندان و انتقال اخبار آن در خارج از زندان، به نحوی جامعه را مرعوب دهشت افگنی های خود نموده، ماشین سرکوبش را در خارج از زندان نیز تیز و بران نگه دارد. هرگاه حاکمیت به این امر توفیق یابد می باید مطمئن شد که حاکمیت در بیرون از زندان نیز عین مناسبات را به وجود خواهد آورد.

هموطنان گرامی!

جهت ایضاح بهتر موضوع بیائید دوران حاکمیت خلق و پرچم، مجاهد و طالب را در نظر گیریم. حتا افرادی که در سن و سال من نیز قرار دارند، همه می توانند به یاد داشته باشند که چگونه حاکمیت های وابسته و منقاد شوروی تحت زعامت تره کی، امین، ببرک و نجیب موفق شده بودند تا رعب و هراس حاکم بر زندانها را به خارج از زندان انتقال دهند و چگونه موفق شده بودند به نحوی محافظه کاری تا سرحد جبن را بین مردم حاکم سازند. و در چنین فضائی روزانه از اقصا نقاط کشور، گروه گروه و دسته دسته از فرزندان این وطن را به زندانها افکنده از آنجا راهی کشتارگاه ها می نمودند، بدون آن که جامعه و حتا نزدیکترین افراد به زندانی، کمترین حرکتی در جهت دفاع از زندانی که بخشی از جامعه بود، برادر این یکی و پسر آن دیگری بود، از خود نشان دهد.

هموطنان گرامی!

نمی خواهم در اینجا به مردم شجاع، دلیر، از خودگذر و فداکار افغانستان اهانت بورزم و آنها را جبون و ترسو معرفی نمایم، زیرا مردمی که برای رسیدن به آزادی در بازه زمانی یک دهه بیش از یک میلیون قربانی می دهد و بیش از ۶ میلیون دیگر پناهنده می گردد، نمی تواند ترسو و جبون باشد، اما اجازه می خواهم بنویسم همه ما اعم از افراد عادی تا سازمانهایی که ادعای پیشاهنگ می نمودند، این فهم را نداشتیم که نباید به حاکمیت دست نشانده اجازه دهیم تا در غیاب توده های میلیونی کشور نخست در درون زندانها بر فرزندان در بند مردم ظلم و ستم روا دارد و به تعقیب با انتقال خبر آنهمه ظلم و ستم در بیرون از زندان، جامعه را در چنان حالت انفعالی قرار دهد که کمترین عکس العمل و صدائی علیه آنهمه ظلم بلند نشود.

هموطنان گرامی!

اگر نیک بنگریم فرد فرد ما که بنا بر جوحاکم در قبال آنهمه بگیر و ببند سکوت نموده ایم و به اصطلاح خود را نگه داشته ایم حتا بدون آن که زیر عنوان "شناگری سیاسی" در دامن دشمن مردم افتاده باشیم، به نسبت بی عملی خود و دادن فضای جنایت به مزدوران روس و بعد تر جهادپرست ها، طالب و نوکران زرین قلاده امپریالیسم غرب، در پیشگاه تاریخ و خون های ریخته شده مسؤولیت داریم. برای یک لحظه فکر کنید، هرگاه از همان آغاز ما این درک و فهم را می داشتیم که نباید به مزدوران روس اجازه قصابی فرزندان مان را بدهیم و جهت جلوگیری از آن جنایات به سرکها بیرون شده، در عوض یک و نیم میلیون قربانی بی گور و بی کفن و در شبهای تار، در روز روشن و در جریان نبرد آنهمه قربانی می دادیم، آیا حاکمیت دست نشانده و مزدور این جرأت و امکان را می یافت که اینهمه جنایت بیافریند؟ به نظر من به هیچ صورت!!

وقتی به یاد می آورم که بزرگان خانواده ما حتا جرأت نمی کردند تا برای زنده به گور شدن برادر ۲۴ ساله ام فاتحه بگیرند تا دولت آنها را نیز نبرد و سر به نیست نکند، نمی توانم این حرکت را انتقاد ننمایم و با صراحت نگویم که

محافظه کاری ما، فضای جنایت را برای سروری ها، امین ها، تره کی ها، بیرک ها، نجیب ها و مساعد ساخته بود.

هموطنان گرامی!

در جریان نوشته چند بار تذکار داده ام که آنچه در زندان بین زندانی و زندانبان می گذرد، ادامه مناسباتیست که در خارج از زندان بین مردم و حاکمیت جریان دارد.

همین اکنون می بینیم که دولت دست نشاندۀ امریکا به خصوص از زمانی که فاشیزم تبارگرایانۀ "غنی احمدزی" می خواهد خود را استحکام بخشد، در جامعه و در خارج از زندان، انسان افغانی هیچ گونه ارزشی برای حاکمیت ندارد، تظاهرات مخالفان را به وسیله ایادی و دست نشانندگان خود در خارج از زندان چنان سرکوب می نماید که در یک حرکت بیش از ۱۰۰ نفر را به قتل رسانیده صد ها تن دیگر را زخمی می سازد، اعتصابات و خیمه های اعتراضی را با پولیس و نیروی نظامی سرکوب می کند و به ده ها تن را در نفس شهر کابل از بین می برد و به مانند تره کی و امین منتها به شکل دیگری یعنی فرار از انتحار مانع حرکات تظاهراتی مردم می گردد، در روز روشن پولیس دولت دست نشاندۀ بر مردم فیر نموده، همین سه روز قبل در منطقه ۵۰۰ فامیلی ۵ تن را به قتل می رساند، یعنی حاکمیت دست نشاندۀ و پوشالی سیاست ستراتیژیکش را چنین اعلام نموده: **نوکری استعمار، تبانی با دشمنان مسلح مردم و سرکوب قهری و خونین مردم.**

در چنین فضاء و حالتی بسیار واضح است که می باید بر زندان و زندانی حمله نماید، به هر بهانه ای که باشد ده ها و صدها تن از آنان را به قتل رسانیده و مجروح سازد.

هموطنان گرامی!

فعلاً بهانه دولت دست نشاندۀ بر زندانیان، گویا تعلق آنها به تجارت مواد مخدره است. گیریم که این ادعا راست باشد و همه آنها تاجر مواد مخدر باشند، آیا کسی گفته می تواند که آنها همین جرم را از ساختار مستعمراتی جامعه نگرفته است؟؟ دیروز یعنی قبل از فاجعه خونبار ثور، که استعمار و ارتجاع هار مذهبی مستقیماً بر کشور حاکمیت نداشتند اولاً چیزی به نام کشت مواد مخدر وجود نداشت احياناً اگر اینجا و آنجا هم یکی دو جریب زمین کوکنار کشت می شد، در تمام زندان دهمزنگ و سایر زندانهای افغانستان یک درصد زندانی ها، از متهمین و مجرمین به تجارت مواد مخدر نبود.

این که امروز زیر هر سنگی را بالا کنی یک تاجر مواد مخدر می بینی، این حاکمیت استعمار است که افغانستان را به کشتزار بین المللی کوکنار مبدل نموده است. یعنی این مناسبات استعماری است که تعدادی از فرزندان این میهن را به کسب و کار مواد مخدر کشانیده و میلیونهای دیگر را با مصرف آن به خاک سیاه نشانده است.

هموطنان گرامی!

فساد، ارتشاء، تجارت مواد مخدر، دزدی، قتل، غارت، جاسوس و خیانت در واقع مرداب و باتلاقی است که امپریالیسم و ارتجاع هار تلاش دارند جامعه ما را بدان سمت سوق دهند. در بطن چنین فضائی اینجا و آنجا خرده پای ها، فروشندگان کوچک و دلالان کوچک و بی واسطه را به دام می اندازد تا از یک جانب بینی خمیری مبارزه علیه مواد مخدر را برایش مهیا سازد و از جانب دیگر، کنترل این تجارت ناپاک از دستش خارج نگردد. آنها هیچ گاهی دانه درشت ها، رهبران قاچاق مواد مخدر حتا آنهایی را که چون جنرال "ملک" در امریکا به همین اتهام در زندان بوده اند، نه تنها مورد پیگرد قرار نمی دهند بلکه به مثابه پارتی های انتخاباتی آنها را در آغوش نیز می کشند.

هموطنان گرامی!

بیانید اشتباه نسل دیروز را که با سکوت در قبال کشتارهای سروری ها، تره کی ها، امین ها، ببرکها، نجیب ها و ... مرتکب شدند، تکرار نکنیم. این را بدانیم که اولاً زندانی نیز بخشی از جامعه است که زودتر از دیگران آسیب پذیر شده است و در ثانی هرگاه دولت دست نشانده موفق گردد، در داخل زندان حاکمیت جبارانه اش را قایم سازد، در اسرع وقت آن را در بیرون از زندان نیز انتقال خواهد داد، دفاع کنونی ما را از زندانیان، دفاع از آتیۀ خود دانسته به دولت دست نشانده اجازه ندهیم تا بخشی از افراد جامعه ما را حتا اگر مجرم هم باشند، به خاک و خون بکشد.

سرکها ما را می طلبد!!